با ایران توشه
یک قدم جلوتر
باش!

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت



ایران توشه، مرجع دانلود فایل های کمک آموزشی دانش آموزان و کنکوری ها

همه چیز
برای موفقیت
تو!

- دانلود رایگان آزمون های آزمایشی قلمچی، خیلی سبز، گاج و ...
- دانلود رایگان گام به گام تمامی دروس
- دانلود رایگان نمونه سوالات امتحانی (نوبت اول و دوم) و امتحانات نهایی
- دانلود رایگان جزوه های کمک آموزشی و شب امتحانی

کافیست هر فایلی که نیاز دارید را در گوگل به این صورت جستجو کنید:

فایل مورد نیاز + ایران توشه

مثال:

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه



irantooshe.ir

t.me/irantooshe

گام به گام عربی، زبان قرآن (۲) یازدهم

پاسخ فعالیت‌ها و پرسش‌های کتاب

پایه یازدهم · شاخهٔ فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش

شامل پاسخ تمرین‌ها، اختبر نفسك، النشاط اللغوي، البحث العلمي و پرسش‌های کتاب

تهیه‌شده در ایران‌توشه، توشه‌ای برای موفقیت

irantooshe.ir

فهرست فصل‌ها

۱ درس اول — التلميذ النجّار ۴

۲ درس دوم — النقش على النحاس ۱۰

۳ درس سوم — الفنون و الحرف اليدوية ۱۶

۴ درس چهارم — تفكّروا في خلق الله ۲۱

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

گام به گام عربی یازدهم فنی‌وحرفه‌ای - درس اول

التلميذ النجّار

فهرست

۱ صفحه ۳ · عيّن الصحيح و الخطأ — حسب نصّ الدرس ... ۵

۲ صفحه ۸ · اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید — ترجمهٔ فعل امر ... ۵

۳ صفحه ۹ · اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱) — ترجمهٔ افعال ۶

۴ صفحه ۹ · اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲) — خواندن و حرکت‌گذاری ... ۶

۵ صفحه ۱۰ · التمرين الأول — كلمة مناسبة للتوضيحات ... ۶

۶ صفحه ۱۰ · التمرين الثاني — عيّن المطلوب منك ۷

۷ صفحه ۱۱ · التمرين الثالث — ترجمهٔ آیات و احادیث و فعل امر ... ۷

۸ صفحه ۱۲ · النشاط اللغوي — اسم صاحب المهنة ۸

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.
irantooshe.ir

۱ صفحه ۳ عیّن الصحیح و الخطأ

عَیِّنِ الصَّحیحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱. اَلتِّلْمیذُ مَشْغولٌ بِالْعَمَلِ لِکَسْبِ الْمَهارَةِ.

۲. اَلْقَلَمُ وَ الْقِرْطاسُ مِنْ أَدَواتِ الدِّراسَةِ.

۳. یَذْهَبُ التِّلْمیذُ إِلَی الْعَمَلِ صَباحاً.

۴. لَیْسَ لِلصُّنّاعِ مَقامٌ.

۵. لَیْسَ الْعَمَلُ عاراً.

1. ○ صحیح
2. ○ صحیح ← قلم و قرطاس (کاغذ) ابزار درس‌خواندن‌اند.
3. ○ غلط ← او صبح دانش‌آموز است و بعد از ظهر نجار می‌شود («فِي الصُّبْحِ تِلْمیذٌ وَ بَعْدَ الظُّهْرِ نَجّارٌ»).
4. ○ غلط ← «لِلصُّنّاعِ مِقْدارٌ»؛ صنعتگران ارزش و جایگاه دارند.
5. ○ صحیح ← «فَما فِي صَنْعَتي عارٌ»؛ کار ننگ نیست.

۲ صفحه ۸ اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید

اکنون با توجّه به شناسه ترجمه کنید.

تَنْتَظِرونَ: منتظر می‌شوید ← اِنْتَظِروا: .....

تَتَعَجَّبینَ: تعجّب می‌کنی ← تَعَجَّبي: .....

تَسْتَخْرِجْنَ: خارج می‌کنید ← اِسْتَخْرِجْنَ: .....

فعل امر	ترجمه
اِنْتَظِروا	منتظر شوید (منتظر باشید)
تَعَجَّبي	تعجّب کن (خطاب به یک زن)
اِسْتَخْرِجْنَ	خارج کنید (بیرون بیاورید) (خطاب به چند زن)

شناسهٔ «وا» برای جمع مذکر مخاطب، «ي» برای مفرد مؤنث مخاطب و «نَ» برای جمع مؤنث مخاطب است.

۳ صفحه ۹ اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱)

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱): تَرْجِمِ الْأَفْعالَ التّالِيَةَ.

ماضي	مضارع	امر	مصدر
اِسْتَعْجَلَ: عجله کرد	يَسْتَعْجِلُ: عجله می‌کند	اِسْتَعْجِلْ: عجله کن	اِسْتِعْجال: عجله کردن
اِعْتَذَرَ: پوزش خواست	يَعْتَذِرُ: پوزش می‌خواهد	اِعْتَذِرْ: پوزش بخواه	اِعْتِذار: پوزش خواستن
اِنْهَدَمَ: ویران شد	يَنْهَدِمُ: ویران می‌شود	اِنْهَدِمْ: ویران شو	اِنْهِدام: ویران شدن
تَقَرَّبَ: نزدیک شد	يَتَقَرَّبُ: نزدیک می‌شود	تَقَرَّبْ: نزدیک شو	تَقَرُّب: نزدیک شدن

۴ صفحه ۹ اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲)

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲): اِقْرَأِ الْأَفْعالَ وَ الْمَصادِرَ قِراءَةً صَحيحَةً، وَ اجْعَلْ عَلاماتِها.

ماضي	مضارع	امر	مصدر
اِسْتَشْهَدَ	يَسْتَشْهِدُ	اِسْتَشْهِدْ	اِسْتِشْهاد
اِفْتَخَرَ	يَفْتَخِرُ	اِفْتَخِرْ	اِفْتِخار
اِنْصَرَفَ	يَنْصَرِفُ	اِنْصَرِفْ	اِنْصِراف
تَصَوَّرَ	يَتَصَوَّرُ	تَصَوَّرْ	تَصَوُّر
اِسْتَخْدَمَ	يَسْتَخْدِمُ	اِسْتَخْدِمْ	اِسْتِخْدام
اِعْتَرَفَ	يَعْتَرِفُ	اِعْتَرِفْ	اِعْتِراف
اِنْقَرَضَ	يَنْقَرِضُ	اِنْقَرِضْ	اِنْقِراض
تَعَمَّدَ	يَتَعَمَّدُ	تَعَمَّدْ	تَعَمُّد

۵ صفحه ۱۰ التمرين الأول

اَلتَّمْرينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنَ الْكَلِماتِ الْجَديدَةِ لِلدَّرْسِ تُناسِبُ التَّوْضيحاتِ التّالِيَةَ.

۱. شَيْءٌ حَديديٌّ نَضْرِبُ عَلى رَأْسِهِ لِلدُّخولِ فِي الْخَشَبِ وَ الْجِدارِ. .....

۲. أَداةٌ حَديديَّةٌ لَها أَسْنانٌ، لِقَطْعِ الْخَشَبِ وَ نَحْوِهِ. .....

۳. وَرَقَةٌ بِاللَّوْنِ الْأَبْيَضِ تُكْتَبُ عَلَيْها. .....

۴. عَيْبٌ كَبيرٌ وَ فَضيحَةٌ عَظيمَةٌ. .....

۵. حاكِمٌ عَلى بِلادٍ بِحُكْمِ الْوِراثَةِ. .....

1. مِسْمار (ميخ)
2. مِنْشار (اره)
3. قِرْطاس (كاغذ)
4. عار (ننگ)
5. مَلِك (پادشاه) ← در درس: «مُلوك: شاهان (مفرد: مَلِك)»

---

۶ صفحه ۱۰ **التمرين الثاني**

اَلتَّمْرينُ الثّاني: عَيِّنِ الْمَطْلوبَ مِنْكَ فِي كُلِّ مَجْموعَةٍ.

۱. صاحِبُ الْحِرْفَةِ مِنَ الْحِرَفِ: النَّجّار / الصُّداع / الذِّكْرَيات / الْبَسيط

۲. (جَمْعُ تَكْسيرٍ): الصَّحيفَة / الصَّباح / الْمِنْشار / الصُّنّاع

۳. (آفَةُ النَّجاحِ): الْمِهْنَة / الْكَسَل / النَّشاط / الْمُصافَحَة

۴. (اِسْمٌ مُفْرَدٌ): الْقُصور / الْمُلوك / الدُّخول / الْعُلوم

۵. (طائِرُ اللَّيْلِ): الْبوم / السّائِح / الْكَهْف / السّائِق

۶. (لَيْسَ مِنَ الْفَواكِهِ): الرُّمّان / الْعِنَب / التُّفّاح / الْفَرَس

1. اَلنَّجّار (صاحب حرفه)
2. اَلصُّنّاع (جمع مكسّر «صانِع»)
3. اَلْكَسَل (تنبلی، آفت موفقیت)
4. اَلدُّخول (مفرد؛ بقيه جمع‌اند)
5. اَلْبوم (پرندهٔ شب)
6. اَلْفَرَس (اسب؛ ميوه نيست)

---

۷ صفحه ۱۱ **التمرين الثالث**

اَلتَّمْرينُ الثّالِثُ: تَرْجِمِ الْآياتِ وَ الْأَحاديثَ؛ ثُمَّ عَيِّنْ فِعْلَ الْأَمْرِ.

۱. «وَ انْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرينَ» (آل عمران: ۱۴۷)

۲. «اِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (العلق: ۳ و ۴)

۳. «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ» (غافر: ۵۵)

۴. وَعَظَ اللّهُ عيسى (ع): اِعْقِلْ وَ تَفَكَّرْ وَ انْظُرْ فِي نَواحِي الْأَرْضِ كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الظّالِمينَ.

۵. تَصَدَّقوا؛ فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَزيدُ فِي الْمالِ؛ وَ تَصَدَّقوا رَحِمَكُمُ اللّهُ. (رسول الله ص)

۶. اِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ؛ يَرْحَمْكَ مَنْ فِي السَّماءِ. (رسول الله ص)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

٧. اِسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ. (الإمام علي ع)

1. و ما را بر گروه کافران پیروز گردان (یاری کن). ← فعل امر: **اُنْصُرْ**
2. بخوان و پروردگار تو بسیار بزرگوار است؛ همان که با قلم آموخت. ← فعل امر: **اِقْرَأْ**
3. پس شکیبا باش، که وعدهٔ خدا حق است و برای گناهت آمرزش بخواه. ← فعل‌های امر: **اِصْبِرْ، اِسْتَغْفِرْ**
4. خدا به عیسی (ع) اندرز داد: بیندیش و تفکّر کن و در نواحی زمین بنگر که فرجام ستمگران چگونه بود. ← فعل‌های امر: **اِعْقِلْ، تَفَكَّرْ، اُنْظُرْ**
5. صدقه بدهید؛ زیرا صدقه در مال می‌افزاید؛ و صدقه بدهید، خدا شما را رحمت کند. ← فعل امر: **تَصَدَّقوا** (دو بار؛ «رَحِمَكُمُ» ماضی و دعاست)
6. به هر که در زمین است رحم کن تا هر که در آسمان است به تو رحم کند. ← فعل امر: **اِرْحَمْ**
7. روزی را با صدقه فرود آورید (طلب کنید). ← فعل امر: **اِسْتَنْزِلُوا**

٨ صفحه ١٢ **النشاط اللغوي**

اَلنَّشاطُ اللُّغَوِيُّ: ضَعْ تَحْتَ كُلِّ صورَةٍ اسمَ صاحِبِ الْمِهْنَةِ مُسْتَعيناً بِالْكَلِماتِ الَّتي بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ؛ ثُمَّ تَرْجِمِ الْكَلِماتِ الزّائِدَةَ.

نام صاحب حرفه برای هر تصویر (به ترتیب تصویرهای صفحهٔ ۱۲ و ۱۳ کتاب، با توجه به صفتی که زیر تصویر آمده است):

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

صفت زیر تصویر	پاسخ (صاحب حرفه)	ترجمه
اَلْماهِرَةُ (زنی با دوربین)	اَلْمُصَوِّرَة	عکاس (زن)
اَلذَّكِيَّةُ (زنی با گوشی پزشکی)	اَلطَّبيبَة	پزشک (زن)
اَلْقَوِيُّ (مردی در کارگاه آهنگری)	اَلْحَدّاد	آهنگر
اَلنَّظيفُ (مردی با شیرینی)	اَلْحَلْوانِيّ	شیرینی‌پز
اَلْمُحَجَّبَةُ (در هواپیما)	اَلْمُضيفَة	مهمان‌دار (زن)
اَلصّادِقَةُ (زنی در حال نوشتن)	اَلْمُحاسِبَة	حسابدار (زن)
اَلْمَسْؤولُ (مرد کنار دستگاه)	خَرّاطُ الْحَديد	تراشکار
اَلْقادِرُ (مرد با تار/سه‌تار)	اَلْمُوسيقار	نوازنده
اَلنَّشيطَةُ (زنی با نان)	اَلْخَبّازَة	نانوا (زن)
اَلْفَهيمَةُ (در داروخانه)	اَلصَّيْدَلانِيَّة	داروساز (زن)
اَلشّابُّ (مردی با لباس)	اَلْكَوّاء	اتوکش
اَلْمَعْروفُ (مرد در آرایشگاه)	اَلْحَلّاق	آرایشگر (سلمانی)
اَلْمُنْصِفُ (مرد زیر روشویی)	اَلسَّبّاك	لوله‌کش
اَلْمُجَرَّبَةُ (زنی در آشپزخانه)	اَلطَّبّاخَة	آشپز (زن)

ترجمهٔ کلمه‌های زائد (۷ کلمه):

کلمه	ترجمه
اَلنَّجّار	نجّار
اَلرَّسّامَة	نقّاش (زن)
اَلْكَهْرَبائِيّ	برق‌کار
اَلْبَزّاز	بزّاز (پارچه‌فروش)
اَلطَّبّاعَة	چاپگر (زن) / چاپ‌کار
اَلْمُصْلِح	تعمیرکار
خَيّاطَةُ الْفَساتين	خیّاط لباس زنانه

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

گام به گام عربی یازدهم فنی‌وحرفه‌ای - درس دوم

النقش على النحاس

فهرست

۹ صفحه ۱۸ · أجب عن الأسئلة — إجابات قصيرة ۱۱

۱۰ صفحه ۲۲ · اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید — ترجمهٔ فعل امر ... ۱۱

۱۱ صفحه ۲۳ · اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱) — ترجمهٔ افعال ۱۲

۱۲ صفحه ۲۳ · اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲) — خواندن و حرکت‌گذاری ... ۱۲

۱۳ صفحه ۲۴ · التمرين الأول — كلمة مناسبة (كلمتان زائدتان) ... ۱۲

۱۴ صفحه ۲۴ · التمرين الثاني — أفعال الجدول و ترجمتها ... ۱۳

۱۵ صفحه ۲۵ · التمرين الثالث — ترجمهٔ آیات و احادیث و تعیین فعل ... ۱۴

۱۶ صفحه ۲۶ · البحث العلمي — نصّ قصير عن صناعة يدوية و ترجمته ... ۱۴

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۹ صفحه ۱۸ أجب عن الأسئلة

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئِلَةِ التّالِيَةِ إِجاباتٍ قَصيرَةً.

۱. هَلْ يَنْقُرُ الْفَنّانُ عَلَى النُّحاسِ بِالْمِفْتاحِ الْفِضِّيِّ؟

۲. أَيُّ عُنْصُرٍ يَدْخُلُ فِي تَرْكيبِ الْكَثيرِ مِنَ السَّبائِكِ؟

۳. لِماذا يَسْتَخْدِمُ الصّانِعُ النُّحاسَ فِي مَوادِّ الْبِناءِ؟

۴. أَيْنَ يَبيعُ الْفَنّانونَ مُنْتَجاتِهِمُ النُّحاسِيَّةَ؟

۵. أَ يُمْكِنُ مَرْحَلَةُ الطِّلاءِ بِالْماءِ الْحارِّ؟

1. لا، يَنْقُرُ الْفَنّانُ عَلَى النُّحاسِ بِالْمِطْرَقَةِ. (نه، هنرمند با چکش روی مس نقش می‌زند.)
2. اَلنُّحاسُ. (مس)
3. بِسَبَبِ مُقاوَمَتِهِ لِلتَّآكُلِ. (به سبب مقاومتش در برابر پوسیدگی/خوردگی)
4. فِي الْمَعْرِضِ وَ فِي سوقِ الصِّناعاتِ الْيَدَوِيَّةِ. (در نمایشگاه و در بازار صنایع دستی)
5. لا، مَرْحَلَةُ الطِّلاءِ تَكونُ بِالذَّهَبِ أَوِ الْفِضَّةِ أَوِ الْبُرونْزِ. (نه، مرحلهٔ آبکاری با طلا یا نقره یا برنز است.)

۱۰ صفحه ۲۲ اكنون با توجه به شناسه ترجمه كنيد

اكنون با توجّه به شناسه ترجمه كنيد.

تُسَلِّمونَ: سلام می‌کنید ← سَلِّموا: .....

تَتَعارَفْنَ: آشنا می‌شوید ← تَعارَفْنَ: .....

تُشارِكانِ: شرکت می‌کنید ← شارِكا: .....

تُحْسِنينَ: نیکی می‌کنی ← أَحْسِني: .....

فعل امر	ترجمه
سَلِّموا	سلام کنید (خطاب به چند مرد)
تَعارَفْنَ	آشنا شوید (خطاب به چند زن)
شارِكا	شرکت کنید (خطاب به دو نفر)
أَحْسِني	نیکی کن (خطاب به یک زن)

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۱۱ صفحه ۲۳ اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱)

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱): تَرْجِمِ الْأَفْعالَ التّالِيَةَ.

ماضي	مضارع	امر	مصدر
حَرَّكَ: حرکت داد	يُحَرِّكُ: حرکت می‌دهد	حَرِّكْ: حرکت بده	تَحْريك: حرکت دادن
حاوَلَ: تلاش کرد	يُحاوِلُ: تلاش می‌کند	حاوِلْ: تلاش کن	مُحاوَلَة: تلاش کردن
تَناوَلَ: خورد	يَتَناوَلُ: می‌خورد	تَناوَلْ: بخور	تَناوُل: خوردن
أَنْزَلَ: پایین آورد	يُنْزِلُ: پایین می‌آورد	أَنْزِلْ: پایین بیاور	إِنْزال: پایین آوردن

۱۲ صفحه ۲۳ اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲)

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲): اِقْرَأْ كَلِماتِ الْجَدْوَلِ قِراءَةً صَحيحَةً، ثُمَّ اجْعَلْ عَلاماتِها.

ماضي	مضارع	امر	مصدر
لَوَّنَ	يُلَوِّنُ	لَوِّنْ	تَلْوين
سافَرَ	يُسافِرُ	سافِرْ	مُسافَرَة
أَجْلَسَ	يُجْلِسُ	أَجْلِسْ	إِجْلاس
تَعادَلَ	يَتَعادَلُ	تَعادَلْ	تَعادُل
قَسَّمَ	يُقَسِّمُ	قَسِّمْ	تَقْسيم
حافَظَ	يُحافِظُ	حافِظْ	مُحافَظَة
أَثْبَتَ	يُثْبِتُ	أَثْبِتْ	إِثْبات
تَبادَلَ	يَتَبادَلُ	تَبادَلْ	تَبادُل

۱۳ صفحه ۲۴ التمرين الأول

اَلتَّمْرينُ الْأَوَّلُ: ضَعْ فِي الْفَراغِ كَلِمَةً مُناسِبَةً مِنَ الْكَلِماتِ التّالِيَةِ. «كَلِمَتانِ زائِدَتانِ»

(الْمِطْرَقَة / الْمَعْرِض / الْفَنّان / الْجُبْن / الدَّجاج / الدَّوام / أَسْلاك / الْمُجَوْهَرات)

۱. تُؤْكَلُ لَحْمُ هٰذَا الطّائِرِ مَعَ الرُّزِّ فِي حَفْلَةِ الْعُرْسِ وَ فِي مَراسيمِ الْعَزاءِ. .....

۲. مِنْ مُشْتَقّاتِ الْحَليبِ نَأْكُلُها فِي الْفُطورِ مَعَ الْخُبْزِ وَ الشّاي. .....

۳. آلَةٌ يَضْرِبُ بِها النَّجّارُ عَلَى الْمِسْمارِ لِلدُّخولِ فِي الْخَشَبِ. .....

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۴. وَقْتُ الْعَمَلِ لِلْمُوَظَّفِ فِي الْإِدارَةِ أَوْ لِلْعامِلِ فِي الْمَصْنَعِ. .....

۵. زينَةٌ ذَهَبِيَّةٌ أَوْ فِضِّيَّةٌ تَلْبَسُها الْبَناتُ وَ النِّساءُ. .....

۶. مَكانٌ واسِعٌ لِعَرْضِ الْأَشْياءِ وَ الْمُنْتَجاتِ لِبَيْعِها. .....

1. ○ اَلدَّجاج
2. ○ اَلْجُبْن
3. ○ اَلْمِطْرَقَة
4. ○ اَلدَّوام
5. ○ اَلْمُجَوْهَرات
6. ○ اَلْمَعْرِض

کلمه‌های زائد: اَلْفَنّان (هنرمند) و أَسْلاك (سیم‌ها).

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir

۱۴ صفحه ۲۴ التمرين الثاني

اَلتَّمْرينُ الثّاني: اِقْرَأْ أَفْعالَ الْجَدْوَلِ وَ ضَعْ عَلاماتِها؛ ثُمَّ كَمِّلْ تَرْجَمَتَها.

الفعل الماضي	الفعل المضارع	فعل الأمر	المصدر
لَمَّعَ: درخشان کرد	يُلَمِّعُ: درخشان می‌کند	لَمِّعْ: درخشان کن	تَلْميع: درخشان کردن
أَنْتَجَ: تولید کرد	يُنْتِجُ: تولید می‌کند	أَنْتِجْ: تولید کن	إِنْتاج: تولید کردن
اِبْتَعَدَ: دور شد	يَبْتَعِدُ: دور می‌شود	اِبْتَعِدْ: دور شو	اِبْتِعاد: دور شدن
تَحَرَّكَ: حرکت کرد	يَتَحَرَّكُ: حرکت می‌کند	تَحَرَّكْ: حرکت کن	تَحَرُّك: حرکت کردن
سافَرَ: سفر کرد	يُسافِرُ: سفر می‌کند	سافِرْ: سفر کن	مُسافَرَة: سفر کردن
اِسْتَخْدَمَ: به کار گرفت	يَسْتَخْدِمُ: به کار می‌گیرد	اِسْتَخْدِمْ: به کار بگیر	اِسْتِخْدام: به کار گرفتن
اِنْفَتَحَ: باز شد	يَنْفَتِحُ: باز می‌شود	اِنْفَتِحْ: باز شو	اِنْفِتاح: باز شدن
تَناوَلَ: خورد	يَتَناوَلُ: می‌خورد	تَناوَلْ: بخور	تَناوُل: خوردن

۱۵ صفحه ۲۵ التمرين الثالث

اَلتَّمْرينُ الثّالِثُ: تَرْجِمِ الْآياتِ وَ الْأَحاديثَ التّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعالَ وَ اذْكُرْ نَوْعَها: (الْماضي وَ الْمُضارِع وَ الْأَمْر)

۱. «أَحْسِنْ كَما أَحْسَنَ اللّٰهُ إِلَيْكَ» (القصص: ۷۷)

۲. «وَ اسْتَغْفِروا اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ غَفورٌ رَحيمٌ» (البقرة: ۱۹۹)

۳. «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا اجْتَنِبوا كَثيراً مِنَ الظَّنِّ ...» (الحجرات: ۱۲)

۴. أَخْلِصوا أَعْمالَكُمْ لِلّٰهِ؛ فَإِنَّ اللّٰهَ لا يَقْبَلُ إِلّا ما خَلَصَ لَهُ. (رسول الله ص)

۵. تَعَلَّموا الْعِلْمَ وَ تَعَلَّموا لَهُ السَّكينَةَ وَ الْوَقارَ؛ وَ تَواضَعوا لِمَنْ تَتَعَلَّمونَ مِنْهُ وَ لِمَنْ تُعَلِّمونَهُ. (رسول الله ص)

۶. مَنْ قَطَعَ قَرينَ السُّوءِ، فَكَأَنَّما عَمِلَ بِالتَّوْراةِ. (موسى كليم الله ع)

۷. إِنَّ الزَّرْعَ لا يَصْلُحُ إِلّا بِالْماءِ وَ التُّرابِ؛ كَذٰلِكَ الْإيمانُ لا يَصْلُحُ إِلّا بِالْعِلْمِ وَ الْعَمَلِ. (عيسى روح الله ع)

1. نیکی کن، همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرد. ← **أَحْسِنْ**: أمر؛ **أَحْسَنَ**: ماضي
2. و از خدا آمرزش بخواهید؛ همانا خدا آمرزندهٔ مهربان است. ← **اسْتَغْفِروا**: أمر
3. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید ... ← **آمَنوا**: ماضي؛ **اجْتَنِبوا**: أمر
4. کارهایتان را برای خدا خالص کنید؛ زیرا خدا جز آنچه برای او خالص شده است نمی‌پذیرد. ← **أَخْلِصوا**: أمر؛ **يَقْبَلُ**: مضارع؛ **خَلَصَ**: ماضي
5. دانش را بیاموزید و برای آن آرامش و وقار بیاموزید؛ و در برابر کسی که از او می‌آموزید و کسی که به او یاد می‌دهید فروتن باشید. ← **تَعَلَّموا** (دو بار): أمر؛ **تَواضَعوا**: أمر؛ **تَتَعَلَّمونَ**: مضارع؛ **تُعَلِّمونَ**: مضارع
6. هر که با همنشین بد قطع رابطه کند، گویی به تورات عمل کرده است. ← **قَطَعَ**: ماضي؛ **عَمِلَ**: ماضي
7. کشت جز با آب و خاک درست و شایسته نمی‌شود؛ همین‌گونه ایمان جز با دانش و عمل درست نمی‌شود. ← **يَصْلُحُ** (دو بار): مضارع

۱۶ صفحه ۲۶ البحث العلمي

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ: اِبْحَثْ عَنْ نَصٍّ قَصيرٍ حَوْلَ إِحْدَى الصِّناعاتِ الْيَدَوِيَّةِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ، ثُمَّ تَرْجِمْهُ إِلَى الْفارِسِيَّةِ، مُسْتَعيناً بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فارِسِيٍّ.

نمونه نص (صنعت دستی: فرش‌بافی):

اَلسَّجّادُ الْإيرانِيُّ مِنْ أَشْهَرِ الصِّناعاتِ الْيَدَوِيَّةِ فِي الْعالَمِ. تَصْنَعُهُ النِّساءُ وَ الرِّجالُ بِالْأَيْدي فِي الْبُيوتِ وَ الْوَرَشاتِ. يَسْتَخْدِمونَ الصّوفَ وَ الْحَريرَ وَ الْأَصْباغَ الطَّبيعِيَّةَ. يَسْتَغْرِقُ نَسْجُ السَّجّادَةِ الْواحِدَةِ أَشْهُراً بَلْ سَنَواتٍ، وَ تُباعُ فِي أَسْواقِ الْعالَمِ.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

ترجمه: فرش ایرانی از مشهورترین صنایع دستی جهان است. زنان و مردان آن را با دست در خانه‌ها و کارگاه‌ها می‌سازند. آنان از پشم و ابریشم و رنگ‌های طبیعی استفاده می‌کنند. بافتن یک فرش ماه‌ها بلکه سال‌ها طول می‌کشد و در بازارهای جهان فروخته می‌شود.

واژه‌های مهم: سَجّاد (فرش)، نَسْج (بافتن)، الصّوف (پشم)، الحَرير (ابریشم)، أَصْباغ (رنگ‌ها)، وَرَشات (کارگاه‌ها)، يَسْتَغْرِقُ (طول می‌کشد).

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

گام به گام عربی یازدهم فنی‌وحرفه‌ای - درس سوم

الفنون و الحرف اليدوية

فهرست

۱۷ صفحه ۳۰ · عيّن الصحيح و الخطأ — حسب الحقيقة و الواقع ... ۱۷

۱۸ صفحه ۳۳ · اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ — ترجمهٔ آیات و فعل مجهول ... ۱۷

۱۹ صفحه ۳۴ · التمرين الأول — كلمة مناسبة (كلمتان زائدتان) ... ۱۸

۲۰ صفحه ۳۴ · التمرين الثاني — معنى الأفعال ۱۹

۲۱ صفحه ۳۵ · التمرين الثالث — عيّن الجواب الصحيح ۱۹

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱۷ صفحه ۳۰ عيّن الصحيح و الخطأ

عَيِّنِ الصَّحيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ الْحَقيقَةِ وَ الْواقِعِ.

۱. «اَلدُّمْيَةُ» شَيْءٌ عَلى صورَةِ مَخْلوقاتٍ حَقيقِيَّةٍ أَوْ خَيالِيَّةٍ يَلْعَبُ بِهَا الْأَطْفالُ.

۲. «اَلتَّسْويقُ» مَهارَةٌ لِلتَّعَرُّفِ عَلَى الزَّبائِنِ وَ عَلى أَساليبِ الْبَيْعِ.

۳. «اَلتَّطْريزُ» فَنُّ تَزْيينِ الْقُماشِ أَوْ مَوادَّ شَبيهَةٍ بِهِ بِرُسومٍ مُخْتَلِفَةٍ.

۴. «اَلزَّبونُ» هُوَ الَّذي يَذْهَبُ فِي الشِّراءِ عَلى بائِعٍ أَوْ مَحَلٍّ واحِدٍ.

۵. لا تَأْثيرَ لِمَواقِعِ التَّواصُلِ الِاجْتِماعيِّ فِي بَيْعِ الْمُنْتَجاتِ.

۶. لَيْسَ لِأَكْثَرِ الْحِرَفِ الْيَدَوِيَّةِ إِمْكانُ الشِّراءِ.

1. ○ صحیح (دُمیه = عروسک)
2. ○ صحیح (تسویق = بازاریابی)
3. ○ صحیح (تطریز = گلدوزی)
4. ○ صحیح (زبون = خریدار)
5. ○ غلط ← شبکه‌های اجتماعی در فروش محصولات تأثیر دارند.
6. ○ غلط ← «لِكَثيرٍ مِنَ الْحِرَفِ الْيَدَوِيَّةِ إِمْكانُ الْبَيْعِ»؛ بیشتر حرفه‌های دستی امکان فروش دارند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱۸ صفحه ۳۳ اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآياتِ الْمُبارَكَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعالَ الْمَجْهولَةَ.

۱. «وَ إِذا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعوا لَهُ وَ أَنْصِتوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمونَ» (الأعراف: ۲۰۴)

۲. «فَأُولٰئِكَ يَدْخُلونَ الْجَنَّةَ وَ لا يُظْلَمونَ شَيْئاً» (مريم: ۶۰)

۳. «أَ فَلا يَنْظُرونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (الغاشية: ۱۷)

۴. «يُعْرَفُ الْمُجْرِمونَ بِسيماهُمْ» (الرحمن: ۴۱)

۵. «وَ خُلِقَ الْإِنْسانُ ضَعيفاً» (النساء: ۲۸)

۶. «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيامُ» (البقرة: ۱۸۳)

1. ○ و هنگامی که قرآن خوانده شود، به آن گوش فرا دهید و خاموش باشید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید. ← مجهول: **قُرِئَ، تُرْحَمونَ**
2. ○ پس آنان وارد بهشت می‌شوند و هیچ ستمی بر آنان نمی‌شود. ← مجهول: **يُظْلَمونَ**
3. ○ آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟ ← مجهول: **خُلِقَتْ**
4. ○ گناهکاران از سیمایشان شناخته می‌شوند. ← مجهول: **يُعْرَفُ**
5. ○ و انسان ناتوان آفریده شده است. ← مجهول: **خُلِقَ**

6. روزه بر شما نوشته (واجب) شده است. ← مجهول: **كُتِبَ**

۱۹ صفحه ۳۴ **التمرين الأول**

اَلتَّمْرينُ الْأَوَّلُ: ضَعْ فِي الْفَراغِ كَلِمَةً مُناسِبَةً مِنَ الْكَلِماتِ التّالِيَةِ. «كَلِمَتانِ زائِدَتانِ»
(اِتَّصَلْنا / سَريرٌ / الصِّيام / مُكَيِّفٌ / شَرْشَفٌ / لَعَلَّهُ / أَنْصِتوا / الْإِبِلُ)

۱. تُعْرَفُ ..... بِسَفينَةِ الصَّحْراءِ.

۲. شَهْرُ رَمَضانَ، شَهْرُ الْعِبادَةِ وَ ..... .

۳. رَجاءً، ..... لِلْأُسْتاذِ الَّذي يَتَكَلَّمُ مَعَكُمْ.

۴. اَلْجَوُّ حارٌّ جِدّاً وَ لا ..... فِي هٰذِهِ الْحافِلَةِ.

۵. اِسْأَلوا عَنْ حالِ زَميلِكُمُ الْغائِبِ؛ ..... مَريضٌ.

۶. وَقَعَ حادِثُ مُرورٍ؛ فَ..... بِالْمُسْتَشْفى وَ مَرْكَزِ الشُّرْطَةِ.

1. اَلْإِبِل
2. اَلصِّيام
3. أَنْصِتوا
4. مُكَيِّف
5. لَعَلَّهُ
6. اِتَّصَلْنا

کلمه‌های زائد: سَريرٌ (تخت) و شَرْشَفٌ (ملافه).

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲۰ صفحه ۳۴ التمرين الثاني

اَلتَّمْرينُ الثّاني: اُكْتُبْ مَعْنَى الْأَفْعالِ التّالِيَةِ.

الماضي المعلوم	الماضي المجهول	المضارع المعلوم	المضارع المجهول
عَرَفَ: شناخت	عُرِفَ: شناخته شد	يَعْرِفُ: می‌شناسد	يُعْرَفُ: شناخته می‌شود
فَتَحَ: گشود	فُتِحَ: گشوده شد	يَفْتَحُ: می‌گشاید	يُفْتَحُ: گشوده می‌شود
رَفَعَ: بالا برد	رُفِعَ: بالا برده شد	يَرْفَعُ: بالا می‌برد	يُرْفَعُ: بالا برده می‌شود
سَتَرَ: پوشاند	سُتِرَ: پوشانده شد	يَسْتُرُ: می‌پوشاند	يُسْتَرُ: پوشانده می‌شود
دَفَعَ: پرداخت	دُفِعَ: پرداخته شد	يَدْفَعُ: می‌پردازد	يُدْفَعُ: پرداخته می‌شود
شَرِبَ: نوشید	شُرِبَ: نوشیده شد	يَشْرَبُ: می‌نوشد	يُشْرَبُ: نوشیده می‌شود

۲۱ صفحه ۳۵ التمرين الثالث

اَلتَّمْرينُ الثّالِثُ: عَيِّنِ الْجَوابَ الصَّحيحَ.

۱. اَلْكَلِمَةُ الْغَريبَةُ: سائِق / فَلّاح / حَدّاد / جاهِز

۲. اَلْكَلِمَةُ الْغَريبَةُ: مِقْدار / مِنْشار / مِفْتاح / مِسْمار

۳. اَلْكَلِمَةُ الْغَريبَةُ: تَطْريز / فَخّار / سَكينَة / مُنَمْنَمَة

۴. اَلْكَلِمَةُ الْغَريبَةُ: جُبْنَة / نَحْت / زُبْدَة / حَليب

۵. اَلْفِعْلُ الْمَجْهولُ: يُصَلِّحُ / يُنْتِجُ / يُكْتَبُ / يَسْمَعُ

۶. اَلْفِعْلُ الْمَجْهولُ: يَفْتَحُ / يُشَرِّفُ / يُضْرَبُ / يُصَلِّحُ

۷. مَعْنَى «قُتِلَ»: كُشت / می‌كُشد / كشته شد / كشته می‌شود

۸. اَلْفِعْلُ الْمَعْلومُ: قُتِلَ / جَعَلَ / نُصِرَ / كُتِبَ

۹. اَلْأَمْرُ مِنْ «تُعَلِّمونَ»: عَلِّموا / أَعْلِموا / اِعْلَموا / تَعَلَّموا

۱۰. اَلنَّهْيُ مِنْ «تَتَكَلَّمُ»: لا تَتَكَلَّمُ / ما تَكَلَّمَ / لا تَتَكَلَّمْ / لا يَتَكَلَّمُ

1. جاهِز (بقيه نام شغل‌اند)
2. مِقْدار (بقيه ابزارند)
3. سَكينَة (بقيه هنر و صنعت دستی‌اند)
4. نَحْت (بقيه فرآورده‌های لبنی‌اند)
5. يُكْتَبُ
6. يُضْرَبُ

نوشته‌ای برای موفقیت

7. کشته شد
8. جَعَلَ
9. عَلِّموا
10. لا تَتَكَلَّمْ

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

گام به گام عربی یازدهم فنی‌وحرفه‌ای - درس چهارم

تفكّروا في خلق الله

فهرست

۲۲ صفحه ۴۰ · ضَعْ في الفراغ — كلمة مناسبة حسب نصّ الدرس ... ۲۲

۲۳ صفحه ۴۳ · اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ — ترجمهٔ اسم فاعل و مفعول ... ۲۲

۲۴ صفحه ۴۴ · التمرين الأول — عيّن الجملة الصحيحة و غير الصحيحة ... ۲۳

۲۵ صفحه ۴۴ · التمرين الثاني — مفرد الجموع ۲۴

۲۶ صفحه ۴۵ · التمرين الثالث — ترجمهٔ جمله‌ها و تعیین فاعل و مفعول ... ۲۴

۲۷ صفحه ۴۶ · البحث العلمي — نصّ عن عجائب مخلوقات الله و حديث مناسب ... ۲۵

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲۲ صفحه ۴۰ ضَعْ في الفراغ

ضَعْ فِي الْفَراغِ كَلِمَةً مُناسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱. تَبْدَأُ الشَّجَرَةُ الْخانِقَةُ حَياتَها بِـ ..... حَوْلَ جِذْعِ شَجَرَةٍ وَ أَغْصانِها.

۲. حَسَبَ قَوْلِ الْإِمامِ الصّادِقِ (ع) أَطْيَبُ الْأَعْمالِ الـ ..... وَ الْغَرْسُ.

۳. يَبْلُغُ ارْتِفاعُ بَعْضِ أَشْجارِ السّكويا أَكْثَرَ مِنْ ..... مِتْرٍ.

۴. تَنْمو أَثْمارُ الْعِنَبِ الْبَرازيلِيِّ عَلى ..... شَجَرَتِهِ.

۵. لِشَجَرَةِ الْخُبْزِ أَثْمارٌ في نِهايَةِ ..... كَالْخُبْزِ.

۶. يَأْكُلُ النّاسُ ..... أَثْمارِ شَجَرَةِ الْخُبْزِ.

1. اَلِالْتِفاف
2. اَلزَّرْع
3. مِئَةِ
4. جِذْعِ
5. أَغْصانِها
6. لُبَّ

توضیح: ۱ ← «تبدأ حياتها بالالتفاف حول جذع شجرة»؛ ۲ ← «إِزْرَعوا وَ اغْرِسوا»؛ ۳ ← «أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِتْرٍ»؛ ۴ ← «أَثْمارُهُ عَلى جِذْعِهِ»؛ ۶ ← «يَأْكُلُ النّاسُ لُبَّ أَثْمارِها».

این جواب ممکن است دقیق نباشد. (فقط پاسخ ۵)

۲۳ صفحه ۴۳ اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ كَلِماتِ الْجَدْوَلِ وَ الْعِبارَةَ التّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعولِ.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

يا صانِعَ كُلِّ مَصْنوعٍ يا خالِقَ كُلِّ مَخْلوقٍ يا رازِقَ كُلِّ مَرْزوقٍ يا مالِكَ كُلِّ مَمْلوكٍ. (مِنْ دُعاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبيرِ)

كلمه	ترجمه	نوع
دافِع	دفع‌کننده، پرداخت‌کننده	اسم فاعل
مَرْفوع	بالا برده شده	اسم مفعول
حارِس	نگهبان	اسم فاعل
مَفْتوح	گشوده شده	اسم مفعول
مُصَدِّق	تصدیق‌کننده	اسم فاعل
مُقَلَّد	تقلید شده	اسم مفعول
مُعْتَمِد	اعتمادکننده، متکی	اسم فاعل
مُسافِر	مسافر	اسم فاعل
مُتَكَلِّم	سخنگو	اسم فاعل
مُشاهَد	دیده شده	اسم مفعول
صادِق	راستگو	اسم فاعل
مَطْبوخ	پخته شده	اسم مفعول
مُساعِد	کمک‌کننده	اسم فاعل
مُخْرِج	بیرون‌آورنده	اسم فاعل
مُعْتَذِر	عذرخواه	اسم فاعل
مُتَحَرِّك	حرکت‌کننده، متحرک	اسم فاعل

ترجمهٔ عبارت: ای سازندهٔ هر ساخته‌شده، ای آفرینندهٔ هر آفریده‌شده، ای روزی‌دهندهٔ هر روزی‌داده‌شده، ای مالک هر مملوک.

اسم فاعل: صانِع، خالِق، رازِق، مالِك — **اسم مفعول:** مَصْنوع، مَخْلوق، مَرْزوق، مَمْلوك

۲۴ صفحه ۴۴ **التمرين الأول**

اَلتَّمْرينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحيحَةَ وَ غَيْرَ الصَّحيحَةِ حَسَبَ الْحَقيقَةِ.

۱. يُمْكِنُ شِراءُ الشَّريحَةِ مِنْ إِدارَةِ الِاتِّصالاتِ.

۲. اَلْمُحيطُ الْهادِئُ فِي شَمالِ مُحافَظَةِ مازَنْدَران.

۳. لا يُمْكِنُ شَحْنُ الْجَوّالِ عَبْرَ الْإِنْتَرْنِتِ.

۴. شَجَرَةُ الْخُبْزِ فِي جُزُرِ الْخَليجِ الْفارِسِيِّ.

۵. اَلْهاتِفُ الْجَوّالُ أَداةُ اتِّصالٍ لاسِلْكِيَّ.

۶. عُمْرُ أَشْجارِ الْبَلّوطِ قَليلٌ جِدّاً.

1. ○ صحیح
2. ○ غلط ← اقیانوس آرام در شمال مازندران نیست (شمال مازندران دریای خزر است).
3. ○ غلط ← «تَسْتَطيعينَ أَنْ تَشْحَني رَصيدَ جَوّالِكِ عَبْرَ الْإِنْتَرْنِت».
4. ○ غلط ← درخت نان در جزایر اقیانوس آرام («جُزُرِ الْمُحيطِ الْهادِئ») است.
5. ○ صحیح (بی‌سیم)
6. ○ غلط ← درخت بلوط گاهی دو هزار سال عمر می‌کند («أَلْفَيْ سَنَةٍ»).

۲۵ صفحه ۴۴ **التمرين الثاني**

اَلتَّمْرينُ الثّاني: اُكْتُبْ مُفْرَدَ الْجُموعِ التّالِيَةِ.

صِناعات / أَغْصان / أَصْدِقاء / خِصال / جُذوع / أَسْلاك / أَجانِب / أَوانٍ / أَثْمار / سَبائِك / غابات / أَقارِب / آلاف / صُنّاع / سُيّاح / أَجْهِزَة / زَبائِن / بَنات / حِرَف / آراء / جُزُر

جمع	مفرد	جمع	مفرد	جمع	مفرد
صِناعات	صِناعَة	أَوانٍ	إِناء	سُيّاح	سائِح
أَغْصان	غُصْن	أَثْمار	ثَمَر	أَجْهِزَة	جِهاز
أَصْدِقاء	صَديق	سَبائِك	سَبيكَة	زَبائِن	زَبون
خِصال	خَصْلَة	غابات	غابَة	بَنات	بِنْت
جُذوع	جِذْع	أَقارِب	قَريب	حِرَف	حِرْفَة
أَسْلاك	سِلْك	آلاف	أَلْف	آراء	رَأْي
أَجانِب	أَجْنَبِيّ	صُنّاع	صانِع	جُزُر	جَزيرَة

۲۶ صفحه ۴۵ **التمرين الثالث**

اَلتَّمْرينُ الثّالِثُ: تَرْجِمِ الْجُمَلَ التّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعولِ.

۱. يا خَيْرَ حامِدٍ وَ مَحْمودٍ.

۲. يا مَنْ بابُهُ مَفْتوحٌ لِلطّالِبينَ.

۳. «وَ يَقولُ الْكافِرُ يالَيْتَني كُنْتُ تُراباً» (النبأ: ۴۰)

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۴. مَنْ قالَ أَنا عالِمٌ، فَهُوَ جاهِلٌ. (رسول الله ص)

۵. سَيِّدُ الْقَوْمِ خادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. (رسول الله ص)

۶. اَلْجَليسُ الصّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَ الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَليسِ السَّوْءِ. (رسول الله ص)

۷. كاتِمُ الْعِلْمِ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحوتُ فِي الْبَحْرِ وَ الطَّيْرُ فِي السَّماءِ. (رسول الله ص)

۸. لَيْسَ الْعاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَ لٰكِنَّ الْعاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرَّيْنِ. (الإمام علي ع)

1. ای بهترین ستایشگر و ستایش‌شده. ← فاعل: **حامِد**؛ مفعول: **مَحْمود**
2. ای که درِ (خانهٔ) او به روی جویندگان گشوده است. ← مفعول: **مَفْتوح**؛ فاعل: **الطّالِبين**
3. و کافر می‌گوید: ای کاش خاک بودم. ← فاعل: **الْكافِر**
4. هر که بگوید من دانشمندم، او نادان است. ← فاعل: **عالِم**، **جاهِل**
5. سرور قوم، خدمتگزار آنان در سفر است. ← فاعل: **خادِم**
6. هم‌نشین شایسته بهتر از تنهایی است و تنهایی از هم‌نشین بد بهتر است. ← فاعل: **الصّالِح**
7. پنهان‌کنندهٔ دانش را هر چیزی لعنت می‌کند، حتی ماهی در دریا و پرنده در آسمان. ← فاعل: **كاتِم**
8. خردمند کسی نیست که خوب را از بد بشناسد، بلکه خردمند کسی است که بهتر از دو بد را بشناسد. ← فاعل: **الْعاقِل** (دو بار)

۲۷ صفحه ۴۶ **البحث العلمي**

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ: اِبْحَثْ عَنْ نَصٍّ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَجائِبِ مَخْلوقاتِ اللّٰهِ؛ ثُمَّ اُكْتُبْ حَديثاً مُناسِباً لَها. «فَتَبارَكَ اللّٰهُ أَحْسَنُ الْخالِقينَ» (المؤمنون: ۱۴)

نمونه نص (نهنگ آبی):

اَلْحوتُ الْأَزْرَقُ أَكْبَرُ حَيَوانٍ فِي الْأَرْضِ؛ يَبْلُغُ طولُهُ نَحْوَ ثَلاثينَ مِتْراً وَ يَزيدُ وَزْنُهُ عَلى مِئَةِ طُنٍّ. يَعيشُ فِي الْبِحارِ وَ الْمُحيطاتِ وَ يَتَغَذّى عَلَى الْكائِناتِ الصَّغيرَةِ.

ترجمه: نهنگ آبی بزرگ‌ترین جانور زمین است؛ طولش به حدود سی متر می‌رسد و وزنش از صد تن بیشتر است. در دریاها و اقیانوس‌ها زندگی می‌کند و از موجودات کوچک تغذیه می‌کند.

حدیث مناسب: «تَفَكَّروا فِي خَلْقِ اللّٰهِ.» (رسول الله ص) ← در آفرینش خدا بیندیشید.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.
irantooshe.ir